

چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۰ • ۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۱۳ اکتبر ۲۰۲۱

اخبار

کتاب «چهلستون» رونمایی شد

کتاب «چهلستون» که توسط آکادمی هوش مالی تهیه و تنظیم و به وسیله انتشارات قدیانی منتشر شده است با حضور مظفری قائم‌مقام معاون صدای سازمان صدا و سیما، کوچک‌زاده مدیر رادیو گفت‌وگو، کمیل رودی مدیر آکادمی هوش مالی، خیامی عضو هیات علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام‌صادق(ع)، مریم جلالی برنامه ساز رادیو و تلوزیون، افراسیابی معاون امور محتوایی مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال، علی رسولی‌زاده کارآفرین برتر ملی و مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان پارت و نادر قدیانی مدیر انتشارات قدیانی، رونمایی شد. مظفری قائم‌مقام معاون صدای رسانه ملی در این مراسم گفت: وجود مجموعه‌هایی دغدغه‌مند مثل آکادمی که با هوشمندی و تحلیل دقیق شرایط، اولویت‌ها را تشخیص داده‌اند و وارد این حوزه مهم شده‌اند بسیار ارزشمند است. طبق تعریف یونسکو، منظور از سواد آن چیزی است که فرد با استفاده از آن بتواند تغییر ایجاد کند و البته این همان تعریف علم نافع است که اسلام هزار سال پیش بر آن تاکید داشته است. سواد مالی به افراد کمک می‌کند با تدبیر درست، در وضعیت مالی زندگی خود و به تبع آن، جامعه، تغییر و بهبود ایجاد کنند.

وی خاطر‌نشان کرد: آموزش و ترویج سبک زندگی مالی و اقتصادی ایرانی و اسلامی از جمله وظایف مهم سازمان صدا و سیما بشمارمی‌رود که برای تحقق این امر لازم است انگاره‌سازی صورت‌گیرد؛ و همان‌طور که گفته شد ما در یک آوردگاه بزرگ اقتصادی هستیم که توانمندسازی مردم در مواجه درست با این امر، حیاتی است. قائم‌مقام معاون صدای سازمان صدا و سیما اظهار داشت: باتوجه به فعالیت‌های گسترده آکادمی هوش مالی در حوزه سواد مالی در کشور، با همکاری معاونت صدا جمهوری اسلامی می‌توان برنامه‌های مشترک متعددی طراحی و اجرا کرد. همچنین ما با معاونت صدا آمادگی داریم طرح جامع مشترکی با آکادمی هوش مالی تدوین کنیم تا بتوانیم در بلندمدت و میان‌مدت به آموزش سواد مالی به اقشار مختلف جامعه کمک کنیم.

مظفری خاطر‌نشان کرد: وظیفه امروز رسانه، اصلاح مفاهیم غلط در اذهان جامعه است. برای رفتارسازی و تغییر سبک زندگی از طریق رسانه، انگاره‌های افراد باید تغییر کند. چرا که انگاره‌ها قابل تصحیح نیستند بلکه قابل جایگزینی هستند. برای جلب توجه مردم به سواد مالی و بهبود تدبیر زندگی باید انگاره‌ای که جامعه به مسائل مالی دارد را تغییر داد و تنها راه حل آن هنر است. در آوردگاه رسانه‌ای، رسانه ملی برای انگاره‌سازی باید این انگاره‌ها را به درستی و با ابزار هنر بهبود دهد.

وی ادامه داد: مرحله پس از گفت‌وگوهای کارشناسی و دیدن ریشه‌های سواد مالی از منظر تخصصی، گفت‌وگو با مردم است؛ تا آن‌ها از موانع و مشکلات بگریزند و از این طریق راه‌کارها استخراج شود. سپس نه تنها از مسیر صدا که از همهٔ مدیوم‌ها و به صورت ۲۶۰ درجه، پیام در اختیار جامعه قرار گیرد.

مریم جلالی برنامه‌ساز رادیو و تلوزیون نیز در این مراسم گفت: در جامعه نباید از نقش زنان غافل شویم چرا که زنان در ایجاد رفتارهای درست مالی نقش بسیار موثری دارند.

وی اظهار داشت: توجه ویژهٔ آکادمی هوش مالی به آموزش و ترویج سواد مالی میان جامعهٔ زنان و خانواده، کفایت و سرعت توسعهٔ سواد مالی را دوچندان خواهد کرد.

علی رسولی‌زاده مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان پارت نیز در این مراسم گفت: افزایش توانمندی مردم در مدیریت مالی شخصی، نیازمند دو مؤلفهٔ آگاهی و دسترسی است. به ابزار است. آکادمی هوش مالی، ذیل شرکت دانش‌بنیان پارت، مأموریت نخست، یعنی افزایش سواد مالی جامعه را دنبال می‌کند و تهیه برنامه‌هایی با همکاری صدا و سیما از جمله این اقدامات است.

این کارآفرین برتر ملی افزود: شرکت دانش‌بنیان پارت با ایجاد سامانه‌هایی چون سیگنال، مرآت، رسام و … دسترسی مردم به ابزارهای مالی را توسعه می‌بخشد به صورتی که اکنون ۸ میلیون کاربر یکتا از این خدمات که بر مبنای هوش مصنوعی ارائه می‌شود استفاده کرده‌اند.

مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان پارت تاکید کرد: به منظور توسعه زیرساخت‌ها و سامانه‌های متنوع مالی که بتواند نیاز مردم را در ابعاد مختلف مرتفع سازد، پارت با دانشگاه‌های مختلف کشور از جمله دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت، صنعتی شریف و فردوسی مشهد در تعامل است و فعالیت‌های گستردهٔ آموزشی و پژوهشی در حال اجراست.

نادر قدیانی موسس و مدیر انتشارات قدیانی در این مراسم گفت: موضوع سواد مالی از جمله موضوعات بسیار مهم و ضروری کشور است که آکادمی هوش مالی باید با قدرت به حرکت خود در آموزش و گسترش این امر ادامه دهد؛ چراکه همان‌طور که تجربه انتشارات قدیانی در مدت چنددهه فعالیت خود نشان داده، کارهای جدید در ابتدای امر، با انتقادهای و مقاومت‌های زیادی رویه‌رو می‌شوند اما باید با قدرت، مسیر درست انتخاب‌شده را طی کرد.

کمیل رودی مدیر آکادمی هوش مالی نیز در این مراسم گفت: نهضت سواد مالی نیازمند همکاری نهادهای مختلف است. در این میان رسانه، با زبان تخصصی و مؤثر خود می‌تواند مردم را مفهوم و ضرورت سواد مالی آشنا کند و توجه جامعه را به این نیاز جلب کند.

وی خاطر‌نشان کرد: تهیهٔ یک برنامهٔ مفصل در جهت قسمت و با حضور صاحب‌نظران مختلف امری دشوار بود که با همکاری رادیو گفت‌وگو انجام پذیرفت که نودبیش تهیهٔ برنامه‌های انریخش دیگر خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب در دیدار روز ششم شهریور (۱۴۰۰) خود با هیأت دولت جدید نکات بسیار مهمی را در زمینه فرهنگ مطرح کرد؛ برخی از ضرورت‌های ایجابی را به عنوان نقشه راه فرهنگی دولت جدید برشمردند. دقت در این بیانات نشان می‌دهد که وضعیت پیشین فرهنگی مطلوب رهبری نبوده است و ایشان به آن نقد دارند. رهبری در بخشی از سخنان خود در این دیدار فرمودند: «در مسئله فرهنگ و رسانه، به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور؛ و یک طرح انقلابی لازم است. البته «حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. معنای «انقلابی بودن» بی‌هوا حرکت کردن و بی‌حساب حرکت کردن نیست. [حرکت] انقلابی باید باشد، بنیانی باید حرکت بشود، در عین حال برخاسته از اندیشه و حکمت باشد. فرهنگ واقعاً زیربنا است؛ خیلی از این خطاهایی که ما در بخش‌های مختلف انجام می‌دهیم، ناشی از فرهنگ حاکم بر ذهن ما است. اگر ما اسراف داریم، اگر ما تقلید کورکورانه داریم، ما سبک زندگی غلط داریم، اینها ناشی از مشکلات فرهنگی است، فرهنگِ حاکم بر ذهن‌هاست که در عمل، این مشکلات را به وجود می‌آورد. زندگی‌های تقلیدی، زندگی‌های تجملاتی و اشرافی‌گری، غالباً منشأ و ریشه فرهنگی دارد. در واقع نرم‌افزار این حوادث، فرهنگ کشور و فرهنگ حاکم غلط و اشرافی است که بر بعضی ذهن‌ها مسلط است.»

ایشان همچنین به ضرورت تحول در صنایع فرهنگی نیز بدین شرح اشاره کردند: «بازارهای فرهنگی از قبیل سینما و هنر و رسانه‌های صوتی و تصویری و امثال اینها را بایستی شکوفا کنید؛ مطبوعات و کتاب و امثال اینها ابزارهای فرهنگی هستند، باید به معنای واقعی کلمه اینها شکوفا بشوند. خب امروز بحمدالله یک لشکر عظیمی از جوان‌های علاقه‌مند به مسائل فرهنگی مشغول کارند، وجود دارند و تلاش و کار می‌کنند.» در کلام رهبری واژه انقلاب با قید خردمندانه و عاقلانه این قیده‌ها طرز نقلی رایج از انقلاب را نفی و طرد می‌کند. در تفسیر این سخن با سلمان کدیور به گفت‌وگو نشستیم. کدیور، نویسنده، منتقد و فعال فرهنگی است.

طرز تلقی رایج از انقلاب، پاسخگوی عرصه فرهنگ نیست

کدیور با انتقاد از دیدگاه‌های رایج در کشور در مسئله حرکت انقلابی در عرصه فرهنگ گفت: نکته اول در همین واژه انقلاب نهفته است. طرز تلقی رایج در عرصه فرهنگ این است که نگاه انقلابی به سرعت و هم قدرت و هم واژگونی را دربر دارد. در مسائل فرهنگی این نوع نگاه جواب نمی‌دهد، چرا که از جنس فرهنگ نیست. فرهنگ از مقولات نرم به‌حساب می‌آید و آرام آرام و به صورت تدریجی شکل می‌گیرد.

وی افزود: شاید چند سده طول بکشد تا رسوم فرهنگی و مقولاتی که بنیان‌های نرم جامعه روی آنها قرار دارد، تشکیل شده و بدل به عرف و یک امر مسلط فرهنگی شود. بنابراین اگر با تعریف رایج وارد عرصه فرهنگ شویم نتیجه آن شکست است و عاقبت خوبی در پی ندارد. وی ادامه داد: یکی از دلایلی که باعث شد تا وضعیت فرهنگی ما در چند دهه گذشته راه زوال را طی کند، اتفاقاً همین نگاه انقلابی به سواد نگاه آیدنولوژی زده به عرصه فرهنگ است. نگاه آیدنولوژی زده به مسئله فرهنگ دست به گزینش یکسری از فرهنگ‌ها و خریده فرهنگ‌ها می‌زند، چرا که از زاویه آیدنولوژی سواد به جامعه نگاه می‌کند. یعنی به دلیل همین نوع نگاه فرهنگی امری گزینشی برای آیدنولوژی زده‌هاست. همانطور که گفتیم نهادهین شدن یکسری از مسائل صدها سال طول کشیده است. ما هم عادات فرهنگی مثبت و سنت‌های خوب و هم عادات فرهنگی منفی داریم. نگاه انقلابی آیدنولوژی زده گزینش خود را معیار قرار داده و یکسری از این مسائل را تقویت کرده و درصدد حذف برخی دیگر برمی‌آید و همین کار عامل بحران فرهنگی جامعه‌مانست.

نگاه انقلابی را با نگاه آیدنولوژی زده خلط نکند

نویسنده کتاب «پس از بیست سال» در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این نکته که در کشور ما نگاه انقلابی غلط تعریف شده است،

امتیاز

سلمان کدیور مطرح کرد:

نگاه انقلابی را با نگاه آیدنولوژی زده خلط نکنید



گفت: همانطور که اشاره کردم این نگاه را به نگاه آیدنولوژیک تعبیر کرده‌اند که غلط است. به طور کل به حوزه فرهنگ نمی‌توان این نوع نگاه را داشت و نمی‌توان به صورتی سریع، فوری و انقلابی مسیر فرهنگ را تغییر داد.

کدیور در ادامه با ذکر یک مثال به تبیین اشتباه بودن نگاه رایج در عرصه فرهنگ پرداخت: همسایه شمالی ما یعنی جمهوری آذربایجان که این روزها هم برای ما شاخ و شانه می‌کشد، همیشه جزئی از خاک ایران بود، اما در یکی دو قرن گذشته آن را از ایران جدا کردند. وقتی این منطقه ذیل روسیه رفت، دستگاه‌های تبلیغاتی آنها کار روی اذهان عمومی مردم را آغاز کردند و یک فرهنگ به معنای واقعی کلمه جعلی را برای آن سرزمین ساختند که تا زمان سقوط رژیم شوروی این فرهنگ تاوأم داشت. وقتی آذربایجان استقلال پیدا کرد و به عنوان کشوری مستقل از شوروی جدا شد، با کمک ترک‌ها مسائل فرهنگی در این کشور ضریب بسیار قدرتمندی به خود گرفت و اکنون کار به جایی رسیده که بسیاری از مردم این کشور باور ندارند که در گذشته کشورشان جزئی از خاک ایران بوده و بعد جدا شده است. آنها به این بازسازی باید بنیادی و بنیانی باشند. بنابراین این قیده‌ها طرز نقلی رایج از انقلاب را نفی و طرد می‌کند. در تفسیر این سخن با سلمان کدیور به گفت‌وگو نشستیم. کدیور، نویسنده، منتقد و فعال فرهنگی است.

این فعال فرهنگی اضافه کرد: این تغییر فرهنگ در عرض یک قرن رخ داده است. اکنون که این نزاع سیاسی میان ما و آنها رخ داده، ما بدون اینکه پیش‌زمینه‌های فرهنگی این رخداد را در نظر بگیریم، به سرعت در مرز مانور نظامی برقرار می‌کنیم. حرف من این نیست که مانور نظامی بد است، این در جای خود نیاز است، اما جنس اتفاقی که در آذربایجان رخ داده، فرهنگی بوده است و ما در یک قرن گذشته آنجا را رها کرده بودیم. اما ناگهان دوباره به فکر این سرزمین افتاده‌ایم و می‌خواهیم کشتگر باشیم که راه آن را نیز بلد نیستیم. بنابراین نگاه انقلابی در عرصه فرهنگ با تعریف انقلاب به منزله یک آیدنولوژی سیاسی، پاسخگوی مشکلات فعلی نیست.

دستکاری حاکمیت در فرهنگ اجتماعی آفت است

سلمان کدیور در بخش دیگری از سخنان خود به یک آسیب جدی دیگر در عرصه فرهنگ اشاره کرد و گفت: اگر از من بپرسند که چه راهکاری انقلابی را برای بازسازی حوزه فرهنگ پیشنهاد می‌دهی تا فرهنگ در جای درست خود قرار بگیرد و از آسیب‌ها کم شود، خواهم گفت که راهکار این است که حاکمیت به مفهوم قدرت سیاسی دست خود را از سر فرهنگ بردارد. حاکمیت نباید بدون اینکه طرح و برنامه‌ای داشته باشد با نگاه آیدنولوژیک خود دائم به عرصه فرهنگ را دستکاری کند.

وی ادامه داد: بنابراین نخستین کار انقلابی است که دولت آفت عرصه فرهنگ را رفع کند و آفت اول دستکاری حاکمیت در فرهنگ اجتماعی مردم است. به هر حال حکومت باید همه فرهنگ‌ها و همه آداب و سنن را ولو اینکه مخالف با نگاه آیدنولوژیک خودش باشد، در جامعه به رسمیت بشناسد. وقتی شما حوزه فرهنگ را دستکاری کرده و یکی را تقویت و دیگری را تضعیف می‌کنید، راه به جایی نخواهید برد.

فرهنگ منفی خطرناک است

کدیور بخش دیگری از سخنان خود را به

روزنامه‌سایران

فرهنگ امری دستوری نیست که هرچه به جامعه دستور بدیم و آنها هم اطاعت کنند. شکل‌گیری بسترهای فرهنگی پس از گذشت صدها سال بوده است، اما حال چون حکومت دینی به دست آمده برخی احساس می‌کنند که باید از منظر شرعی وارد عرصه فرهنگ شوند و برخی چیزها را حلال و برخی را حرام کنند تا عرصه فرهنگ درست شود. از این کارها هم باید پرهیز شود.

وی افزود: این حرف را نباید به معنی ترویج فرهنگ اباحه و کار حرام دانست. منظورم این است که اگر کزی و زشتی در فرهنگ وجود دارد، ابزار اصلاح آن دستور دادن و «بکن» و «کن» صفر و صدی فقه نیست. اگر احساس می‌شود که فعل قبیحی در جامعه رواج پیدا کرده و مردم نباید آن را انجام دهند، باید حداقل یک دهم یا نصف تعداد سالی که بستر بروز و ظهور آن فعل بوده، فرهنگسازی و محتوا تولید شود تا بتوان جامعه را اقتاع کرد. تازه این محتوا باید در معرض انتخاب مردم قرار نگیرد نه اینکه آنها مجبور شوند.

تحکم و اجبار در عرصه فرهنگ محکوم به شکست است

کدیور در بخش دیگری از سخنان خود تحکم و اجبار در عرصه فرهنگ را محکوم به شکست خواند و گفت: تنها راه انتخاب است و حکومت باید اجازه انتخاب را به مردم بدهد. ارزش مقوله‌های فرهنگی به انتخاب مردم است. متأسفانه نگاه رایج در چند دهه گذشته «اجبار» بوده و بر همین اساس نیز انبوه نهادهای فرهنگی نفتی که فعالیت‌شان موازی است، تشکیل شده‌اند. این نهادهای ضد فرهنگ هستند و اختلال ایجاد می‌کنند. همه این نهادهای جزیره‌های مستقل هستند که کار خود را می‌کنند و خیال همه نیز از بوجه و پول جمع است و نیازی نمی‌بینند تا خود را در معرض رقابت با سایر نگاه‌ها و سلایق فرهنگی قرار دهند. وی با اشاره به این نکته با وجود چنین ساختاری تغییر مدیران دردی را دوا نخواهد کرد ادامه داد: وقتی این ساختارها و این نگاه گزینشی وجود دارد و بسترهای فرهنگی در وضعیت فعلی است، شما اگر بهترین نگاه فرهنگی را داشته باشید بهترین مدیر را هم در مصدر امور بگذارید هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. من همیشه با تعبیرهای فرهنگ ارزشی، فرهنگ انقلابی و … مخالف بوده‌ام، چرا که مدام از ارزش تعبیر آیدنولوژیک می‌شود. عرصه فرهنگ کشور رفت. در این دو حوزه صرفاً عده خاصی حاشیه امن دارند.

کدیور گفت: چندی پیش گروهی از دوستان برای تولید آثاری فرهنگی من را طرف مشورت قرار دادند و با افتخار گفتند که ما می‌توانیم کلیپ‌های تولیدی‌مان را در تلویزیون پخش کنیم. پاسخ دادم که اتفاقاً همین رات شما باعث می‌شود که کارتان موفق نباشد. چرا مابقی گروه‌های فرهنگی با عقایدی متفاوت از نگاه آیدنولوژی شما فرصت استفاده از رسانه ملی را ندارند. اما شما که هنوز کارها را تولید نکرده‌اید با قاطعیت می‌گویید که آنتن را در بهترین ساعت می‌توانید داشته باشید. این منتقد با اشاره به این نکته که وجود رانت هر حوزه‌ای را با اضمحلال مواجه خواهد کرد، ادامه داد: آن دوستان به من گفتند که چون بهترین ساعت پخش را می‌توانند در اختیار داشته باشند، طرحی به آنها بدهم که موفق شود. من پاسخ دادم که هر طرحی بدهم شکست خواهد خورد، چرا که این بدون هیچ تولیدی تضمین مخاطب و آنتن رانتی را گرفتند. حتی به آنها گفتم که ساعات همین جلسه با من را نیز دارند حساب می‌کنند و حق جلسه می‌گیرند و این قابل انکار نیست. آنها در رقابت با سایر جریان‌های فرهنگی نیستند. صرفاً قدرت سیاسی برای‌شان یک محیط آیزوله فراهم کرده است. سایر گروه‌ها اگر تلاش بسیار کنند تنها می‌توانند آثارشان را روی صفحه اینستاگرامشان منتشر کنند. در صورتی که حتی ممکن است کار فرهنگی و نوع نگاه این گروه‌ها باب طبع مردم باشد. اما آن دوستان من چون رانت دارند و به ابزار قدرت و آیدنولوژی سیاسی متصلند خیلی راحت می‌گویند که ۸۰ میلیون مخاطب دارند. این کارها هیچ قیاده‌ای دربر نداشته و هیچ تاثیری در جامعه نخواهد گذاشت.

فقه هم باید دست از سر فرهنگ بردارد

کدیور در بخش دیگری از سخنان خود راهکار دیگری برای بازسازی انقلابی عرصه فرهنگ را به این شرح ارائه داد: همانطور که گفتیم کار انقلابی این است که حکومت دست از سر فرهنگ بردارد و دست بکشد از تقویت صرفاً برخی از گروه‌ها و برخی افکار. نکته دیگرم هرچند که شاید تند باشد اما ضرورت دارد. به نظر من حتی نباید اینقدر سایه فقه هم بالای سر فرهنگ باشد.

شماره ۳۲۹۸

اخبار

مهدی محمدی سرپرست معاونت رسانه، ارتباطات و فضای مجازی سازمان فرهنگی هنری شد

رییس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در حکمی «مهدی محمدی» را به عنوان سرپرست معاونت رسانه، ارتباطات و فضای مجازی این سازمان منصوب کرد.

به گزارش امتیاز، در حکم حجت‌الاسلام میثم امرودی رییس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران آمده است: نظر به تعهد،

تخصص و تجارب مدیریتی جنابعالی به موجب این حکم به عنوان سرپرست معاونت رسانه، ارتباطات و فضای مجازی منصوب می‌شود. با عنایت به رهنمودها و تاکیدات حکیمانه مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) در خصوص «مدیریت فضای مجازی» و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مطلوب این حوزه در جهت پیشبرد اهداف فرهنگی و بصیرت افزایی اقشار گوناگون جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان عزیز و آینده‌ساز و تاکید و تصویب هیئت امنای محترم، انتظار می‌رود با استفاده از تجربیات و نقطه نظرات صاحب نظران و متخصصان و نیز

به کارگیری و سازمان دهی نیروهای متخصص و انگیزهمند در آن معاونت، نسبت به جهت‌دهی و هدایت تولیدات، تولید و انتشار محصولات مجازی جذاب و اثرگذار در عرصه‌های مختلف فرهنگی، هنری، اطلاع رسانی و آموزش‌های مهارتی و شهروندی، ارائه آموزش‌های لازم به کارکنان ارجمند سازمان و دیگر نهادهای مردمی و انقلابی، آگاهی بخشی به شهروندان در زمینه سواد رسانه و فرهنگ استفاده بهینه از فضای مجازی و ضرورت زوددن و پیشگیری از آسیب‌های موجود و انجام سایر امور محوله اهتمام ورزید. همچنین با توجه به اهمیت و جایگاه خاص این حوزه و نیز تازه تاسیس بودن آن معاونت، همکاری و مساعدت صمیمانه تمامی بخش‌های ستادی و صنفی سازمان با تمام عالی مورد تاکید و انتظار است. از درگاه خداوند متعال، مزید عزت و توفیق شما را مطالبت دارم.مهدی محمدی پیش از این رییس فرهنگ‌سرای رسانه، مشاور رییس و مدیر کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان فرهنگی هنری، مدیر فرهنگی و هنری منطقه ۶ تهران و رییس فرهنگ‌سرای سرو بود. از دیگر سوابق وی می‌توان به مدیریت سامانه مدیریت ارتباطات شهرداری تهران (سما) و مسئولیت‌های مختلف خبری در رسانه‌های مختلف جبهه انقلاب از جمله در خبرگزاری مهر و روزنامه فریختگان اشاره کرد. سعید صدراپانی پیش از این پست معاونت رسانه، ارتباطات و فضای مجازی سازمان را برعهده داشت.

توسط انتشارات نهادگرا انجام شد؛

چاپ کتابی درباره بانزستگی و ناخرسندی‌های آن

کتاب «بانزستگی و ناخرسندی‌های آن» نوشته عباس گرگی و سعید گودرزی به‌مناسی توسط انتشارات نهادگرا (وابسته به مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد) منتشر و راهی بازار نشر شده‌است.این‌کتاب از تولیدات موسسه راهبردهای بانزستگی صبا‌محسوب می‌شود.

عنوان کتاب پیش‌رواز اثری باهم‌نیمان‌نوشته میکائیل سیلور گرفته شده که سال ۲۰۱۸ منتشر شده است. «بانزستگی و ناخرسندی‌های آن» کاوشی در سنخ‌شناسی سبک زندگی بانزستگیان و شناخت فرایند شکل‌گیری و انتخاب سبک زندگی افراد بانزسته و پویایی‌های حاکم بر آن است. در کتابی که میکائیل سیلور نوشته، باالهام از کتاب «تمدن و ناخرسندی‌های» فریود، به بررسی تجارب مختلف بانزستگیان پرداخته است. فریود کتابش، در ناراضیاتی‌های تعمیم‌یافته‌ای اشاره می‌کند که ناشی از اعمال محدودیت بر فرایز و اصل لذت، از طریق چهارها و الزامات فرهنگی و اجتماعی است. سیلور نیز ساخت اجتماعی بانزستگی را مانع از مشارکت بالقوه نیروی کار می‌داند. او شرایطی را توصیف می‌کند که در آن فرد بانزسته با از دست دادن هویت و منابع شخصی‌اش، در وضعیتی آونمیک گرفتار می‌شود.

عباس گرگی و سعید گودرزی نویسندگان کتاب «بانزستگی و ناخرسندی‌های آن»، از اعضای اصلی کتاب پیش رو هم، دیالکتیک مضمون هیئت کتاب پیش رو هم، دیالکتیک رهایی‌محدودیت است. هدف مؤلفان، گونه‌شناسی سبک زندگی بانزستگیان و کاوش در فرایندهای حاکم بر شکل‌گیری سبک زندگی بانزستگیان بر اساس دیالکتیک «هایی/محدودیت» و «عاملیت ساختار» بوده و علاوه بر این، تلاش کرده‌اند تأثیر منابع و عوامل اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب سبک زندگی و پیامدهای ناشی از سبک‌های زندگی انتخاب‌شده، موردبررسی قرار گیرد.

به اعتقاد مؤلفان کتاب مذکور، وجه تمایز این‌طباعه با دیگر آثار منتشرشده در زمینه سبک زندگی بانزستگیان، توجه به ماهیت دیالکتیکی بانزستگی و پیامدهای آن بر فرایند شکل‌گیری سبک زندگی بانزستگیان است. ازاین‌رو، این کتاب به دنبال پاسخی به این‌پرسش است که آیا بانزستگی، فصلی پایانی از کتاب زندگی است؟ یا آن را باید فصل جدیدی از زندگی و دیباجه‌ای بر فصول آینده یا عصر چهارم زندگی دانست؟ بانزستگیان، به‌عنوان عاملان اجتماعی تا چه حد در نگارش این فصل از زندگی خود، اراده و اختیار دارند؟ آن‌ها در این فرایند، با چه چالش‌ها و فرصت‌های ساختاری مواجه‌اند؟ به‌عبارت‌دیگر، عاملیت و ساختار یا انتخاب‌ها و شانس‌های زندگی، چه نقشی در نگارش این فصل از کتاب زندگی دارد که تجلی آن را می‌توان در سبک زندگی بانزستگیان مشاهده نمود؟ از این منظر، کتاب پیش رو، کوششی علمی و اخلاقی، در مقابل پروژه زیست- سیاسی سالمندی موفق است که در آن سالمندی موفق، پروژه‌های شخصی فرض می‌شود که از طریق اقدامات و انتخاب‌های فردی به دست می‌آید.

این‌کتاب با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۸۰ هزار تومان منتشر شده است.



دادند که جلو ساخت‌وسازها گرفته شود. حال، این سوال مطرح است وقتی شورای شهر، شهرداری و میراث فرهنگی دور یک میز نشسته و بعد از تخریب یک اثر تاریخی جلسه فوق‌العاده تشکیل داده‌اند که این مسائل پیش نیاید، چرا دوباره این اتفاق در همدان تکرار شده است؟ زدی بیان کرد: اگر عامل تخریب مدرسه ظفر معرفی می‌شد و شهرداری پنهان‌کاری نمی‌کرد، امروز این اتفاق برای خانه دکتر شیری رخ نمی‌داد.

صاحب محمدیان منکر -نویسنده کتاب خانه‌های تاریخی همدان - درباره ارزش خانه دکتر شیری چنین گفته است: «این خانه-باغ در خیابان جهاد و در شمال خاچ علی آقا شیری (محل فعلی مرکز تجاری میلاد) واقع شده است و بر اساس اطلاعات موجود، از خانه باغ‌های دوره پهلوی است و به خانواده شیری تعلق داشته که به دلیل اقامت دکتر شیری در آن، به خانه دکتر شیری معروف است.